بررسی ۱۷ خطای رایج درباره آزادی و حجاب ـ بخش اول

بی‌پرده با حجاب

■ سعید ابراهیمی ■

چکیده: بحث حجاب در پیشینه کشور ایران تا این حد پرحاشیه و جنجالی نبوده است. نقطه آغازین برجسته شدن مساله حجاب به طور واضح مطرح نمی‌شود و مختصات محیطی و خصوصیات فرهنگی که موجب به وجود آمدن مدل آزادی غربی شـده است به ندرت تبیین می‌شـود، لذا آنچه امروز به اسم دفاع از حجاب از زبان صاحبنظران مطرح می‌شود در تاثیر از عدم ریشه‌یابی دقیق مساله بوده و خطاهای تحلیلی رایجی را نیز به دنبال داشته که این خطاهای تحلیلی باعث می‌شود متولیان امور فرهنگی راهکارهای اشتباهی برای ترویج حجاب تجویز کنند. حجاب وسیله‌ای برای سالم‌سـازی روابط انسـانی بوده و داشتن نگاهی فراتر از یک ابزار برای حجاب اشـتباهی دیگر از مجموعه اشـتباهات‌مان راجع به حجاب است. با چه اسـتدلالی اصل تدریجی بودن معارف اسلام درباره حجاب کنار گذاشته می‌شود؟ با توجه به اینکه حجاب یک مسؤولیت جمعی بوده و مردان و زنان جامعه در سالم‌سازی روابط انسانی سهیمند، چرا تمام نگاه‌ها محدود به زنان جامعه شده است؟ تعیین مصداق بـرای حجاب و نگاهی انحصـاری درباره مصداق حجاب در ایران آن هم با وجود اینکه لباس‌های بومی و محلی در ایران نظر شـارع اسلام را درباره حجاب تامین می‌کند، خطایی به علاوه خطاهای قبلی اسـت. وضع موجود حجاب در جامعه ایران، چه از سـوی افراد باحجاب و چه از سوی افراد بی‌حجاب، بیش از آنکه نتیجه انتخاب آنها باشد، نتیجه فشارهای هنجاری و کم‌کاری متولیان فرهنگی جامعه اسـت. در ایـن مقاله به ۱۷ خطای رایج درباره حجاب پرداخته می‌شود.

■ **خطاها در بخش شناخت مسأله حجاب**

۱- ریشه‌یابی اهمیت یافتن مسأله حجاب

خطـای واضحی که در مواجهه بـا بحث حجاب نادیده گرفته می‌شود، عدم توجه و عدم اظهار دقیق نقطه برجسته شدن و دامنه گرفتن مساله حجاب است. برجسته شدن مباحث حجاب در ایران، دقیقا از زمان اجرای قانون کشـف حجاب توسـط رضاشاه پهلوی شعله‌ور شد، البته شاهان قاجار نیز در ورود فرهنگ غربی به ایران دارای نقش بودند ولی برجستگی و عمومیت پیدا کردن آن در زمان رضاشاه شکل گرفت. در واقع تلاقی فرهنگ توسعه یافته غربی با فرهنگ اسلامی- ایرانی، نقطه آغازین حساسیت‌های موجود راجع به مساله حجاب شد؛[1] اشـتباه راهبردی رضاشاه یکی دیدن زن ایرانـی با زن غربی بود و اینکه مثل زن غربی، با زن ایرانی برخورد کرد. متاسفانه صاحبنظران به این خطا توجه نکرده و به آن دامن زدنـد. غربگرایان آجری را برای دیـوار ایرانی وارد کردند که هم از لحاظ ماهیت و هم از لحاظ ساختار، با فرهنگ و بستر ایرانی متفاوت بود و صاحبنظران به جای کنار گذاشتن آجر وارداتی، اقدام به اصلاح آزادی غربی و رفـع بدی‌های آن کردند، در حالی که آجر وارداتی و آزادی غربی در اصلاح‌شده‌ترین حالت، باز هم با فرهنگ و بستر ایران ناسازگار بود، در واقع اساس و مواد تشکیل‌دهنده آزادی غربی با بستر ایران متفاوت است. در حالی که صاحبنظران و نخبگان باید جای خالی دیوار را با آجرهایی از بستر ایرانی و برخاسته از فرهنگ ایرانی- اسـلامی پر می‌کردند، نخبگان روی آجری سرمایه‌گذاری کردند که هـم ظاهر دیوارمان را به هم ریخت و اسـتحکامش را مخـدوش کرد. البته خطای راهبردی در مواجهه با فرهنگ غربی در تمام علوم و سـطوح در ایران رخ داده است، کسانی که با غرب مواجه شـدند به جای طرح و تبیین مبنای ایرانی- اسلامی، غالبا فقـط مبنای غرب را اصلاح کرده و اسـلامیزه کردند. این تفکر به حدی پیش رفته که نگاه مستقل به مشکلات جوامع اسلامی بدون نگاه به تفکرات و نظریات غربی برای‌مان مشـکل شده است. عدم توجه به بسـترهای غرب و بسترهای شرق ناخودآگاه موجب شده همگی در میدان غرب بازی کنیم و ناخودآگاه غرب را به رسمیت بشناسیم و آنها را به عنوان ابرقدرت تعریف کنیم. این نگاه مستقل به فرهنگ ایرانی- اسـلامی سبب کشف قوای ناشناخته و ترسیم چارچوبی مستقل نیز خواهد شد. وابستگی حتی در تفکر نیز مذموم اسـت. فرهنگ ایرانی اگر با فرهنگ غربی برخورد نمی‌کرد، یقینا هزاران سال بعد هم نسبت به حجاب جبهه‌گیری نمی‌کرد و حجاب را همچون گذشته خود محترم می‌شمرد. حجاب قبل از آن در ایران برای تمام اقشار جامعه یک امر عادی تلقی می‌شد و از شاهزادگان گرفته تا طبقات پایین جامعه هیچ حساسیتی نسبت به آن نداشتند. تصاویر باقیمانده از زندگی شاهان و نقوش موجود در آثار باستانی به عادی بودن و جاافتاده بودن بحث حجاب اشاره دارند، لذا باید منشأ ایجاد چنین بحثی را دقیقا شناسایی کرده و مد نظر قرار داد و طبق آن به طرح موضوع پرداخت. حجاب و پوشش ظاهری یک حرکت عقلانی است که قبل از اسلام، هم در غرب[2] و هم در ایران[3] وجود داشـت[4] لذا منحصر کردن حجاب به اسلام ناشی از یک خطای تحلیلی و بی‌دقتی تاریخی اسـت. انتساب تمام و کمال حجاب به ایران قدمتی چندین هزار ساله دارد. برخورد گذشته غرب با جنس زن در غالب موارد قابل دفاع نبوده ولی در ایران به ندرت با چنین مسائلی روبه‌رو می‌شدند. اگر ظلمی هم به جنس زن می‌شده در گوشه و کنار اتفاق می‌افتاده و صورت غالب نداشته است. در واقع زن در فرهنـگ ایرانی براحتی و بدون تنش در بین خانواده خود می‌زیسـته و از زندگی خود راضی بوده اسـت. فرهنگ غالب در ایران مبتنی بر احترام به شخصیت زن بوده و یکسان‌نگری ایران با غرب در این‌باره یک اشتباه راهبردی است. نسخه‌برداری از رفتار غرب نسبت به زن و اجرای عین همان برنامه در ایران یک خطای استراتژیک است. غرب‌شناسان نه فقط در شناخت و درک مفهوم آزادی این دقت را نکرده‌اند، بلکه در شناخت سایر مفاهیم غربی نیز به این خطا مبتلا شده‌اند.[8] مفهوم قدرت در غرب با مفهوم قدرت در شـرق و اسلام بسیار متفاوت است، غرب پایه‌های قدرت را بر ظلم و ستمگری بنا نهاده است، به همین خاطر غرب معتقد است قدرت نمی‌تواند ثبات داشـته باشد، این در حالی است که مفهوم قدرت در اسلام تغایر مبنایی با مفهوم قدرت در غرب دارد؛ مبنای قدرت در اسلام حکومت بر قلب‌هاست. اسلام در مقابل جامعه خود تکیه بر محبت بین مردم و حاکم دارد. این مدل تفسیری از قدرت مخصوص مختصات زمانی و مکانی شرق است، لذا مفهوم قدرت در غرب و اسلام بسیار متفاوت است. غرب‌شناسان و شیفتگان غرب مبتلا به این خطای تحلیلی شده، می‌خواهند غرب را آنگونه که در اسلام صحیح نیست، لذا جامعه نباید به حجاب فقط به عنوان یک اصل دینی نگاه کند؛ حجاب یک اصل انسانی و اخلاقی نیز هست. وقتی حجاب به اصطلاح یک حکم ارشـادی است، محدود کردن و منحصر کردن حجاب به اسـلام و موضع‌گیری و فعالیت در این محدوده، خطای مهم راهبردی درباره حجاب است. دفاع از حجاب باید با منطق دینی و در کنار منطق انسـانی صورت پذیرد. دنیای حاضر نمی‌تواند نسـبت به منطق انسانی سکوت کرده و بی‌تفاوت باشد. در دنیای حاضر، هیچ وجدان بیداری حاضر نمی‌شود غذای لذیذ را در منظر دیدگان آنهایی که از محرومیت غذایی رنج می‌برند، میل کند. وقتی زمینه ارضا و بهره‌گیری جنسی برای تمام انسان‌ها فراهم نباشد، به نمایش گذاشتن زیبایی‌های جنسی و جذابیت‌های زنانه در جامعه‌ای که سرشـار از محرومیت‌های جنسی است، یک عمل ضدانسـانی و غیراخلاقی بوده و از منظر غیردینی هم کاری مذموم است. باید حجاب را از زاویه انسانی هم بازگو کرد و بر منطق انسانی آن نیز تاکید ورزید. به نظر می‌رسد علت غالب ناکامی‌ها در تبلیغ حجاب به عدم توجه به این نکته بازمی‌گردد. عقلای جامعه چه قبل از اسـلام و چه بعد از اسـلام، به زندگی متعادل انسان‌ها حکم می‌دهند و معتقدند در جامعه‌ای که از تمام شؤون زندگی اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و... برخوردار است، در چنین جامعه‌ای تعدیل غریزه جنسی یک اصل عقلانی است. اگر تمام ذهن انسان‌ها درگیر مسـائل جنسی شود دیگر مجالی برای سایر شؤون زندگی باقی نمی‌ماند و در عمل زندگی انسـان‌ها مختل می‌شـود. توجه بیش از اندازه به غریزه جنسـی در زندگی طبیعی انسان اختلال ایجاد می‌کند. بویژه امروز که پیشرفت صنعتی تنوع بسیار گسترده زندگی‌ها را سبب شده و فرصت و مجال انتخاب نوع زندگی، با توجه به محدود بودن عمر انسان بسیار اندک است. توسعه و پیشرفت در سـایه یک برنامه‌ریزی متعادل حاصل می‌شود و آنهایی می‌توانند از لحـاظ کیفیت زندگی موفق عمـل کنند که بتوانند تمام غرایز خـود را به طور متعادل ارضا کنند. غالب تحلیلگران، صاحبنظران و تریبون‌دارهای جامعه، در انتساب تمام و کمال حجاب به اسلام دچار خطا شده‌اند؛ هم در اصل شناخت حجاب و هم در شناخت نقطه آغازین طرح مساله حجاب دقت نکرده‌اند. عدم شناخت موضع بحث و عدم تعیین محل نزاع، سبب شده برخوردها و اظهار نظرها مبتلا به اشتباه شـود. علت برخورد رضاشاه با حجاب به ندرت به صورت صحیح تبیین می‌شود. در بررسی مساله حجاب به ندرت این سؤال مطرح می‌شود که اصلا چرا رضاشاه با حجاب مخالفت کرد؟ برداشتن چادر از سر زنان، کدام مشکل کشور را حل می‌کرد؟ اینکه رضاشاه کاری مغایر با دستورات اسلام انجام داده امری مسلم است و می‌توان در فرصت‌های دیگری مفصلا به آن پرداخت ولی اینجا یقه رضاشاه را باید گرفت و از وی پرسید: چرا آزادی ایرانی- اسلامی نیـاوردی؟ اگر ظلم‌های جامعه ایرانی به زنان او را مجاب کرده بود که سراغ آزادی رود و آنها را نجات دهد، چرا نوع بومی و اسلامی- ایرانـی آزادی را مطرح نکرد؟ چرا به این نپرداخت که کدامیک از آزادی‌های زنان در مقیاس‌ها و مختصات زن ایرانی سـلب شـده بود و او می‌خواسـت آنها را به زنان بازگرداند؟ باید به کپی‌برداری و بی‌هویتی رضاشـاه در مقابل غرب معترض بود و نسبت به دیوار کجی که در مسـاله آزادی زنان در ایران بنا گذاشت، سکوت نکرد. پرداختن به مسـاله حجاب بدون واضح کردن این مساله، خطایی بسیار مهم و اثرگذار است.

۲- بسترهای متفاوت جامعه فکری غرب درباره مفهوم آزادی

عدم درک صحیح مفهوم آزادی غربی یک خطای شناختی و راهبردی در مواجهه با مسـاله حجاب است. غالب غرب‌شناسان و تحلیلگران بویژه در موضوع آزادی غربی، به خاستگاه و بسترهای ایجاد آزادی غربی توجهی ندارند. در مواجهه با موضوعات حجاب و آزادی، به پیشینه بروز و ظهور آزادی در غرب توجهی نمی‌شود. متاسـفانه بر اثر ابتلا به این اشـتباه، آزادی آنگونه‌ای که در غرب اسـت، در شرق نیز تفسیر می‌شـود، در حالی که اگر امروز غرب درباره آزادی زنان نسخه‌ای می‌پیچد، در واقع می‌خواهد ظلم‌هایی کـه قرن‌هـا درباره جنس زن روا داشـته را جبران کند؛ نسـخه موجود در غرب متناسـب با فضای غرب و گذشـته تاریک غرب است، در واقع آزادی بی‌قید و بند زنان حاصل فشارها و ظلم‌های بی‌حدوحصر غرب به زنان است. غرب با این نسخه از آن سوی بام افتاده است. غرب در گذشته، لباس زیر آهنین یا کمربند عفت[5] برای زنان طراحی کرده و شـخصیت زن را لگدمال طمع‌ورزی‌ها و وحشـیگری‌های خود کرده بود. غـرب افراط‌های دیروز خود را با تفریط‌های امروز، پاسـخ می‌دهد. مشـکل آزادی زنان و تکریم شخصیت آنها، در واقع مشکل اختصاصی غرب بوده و سنخیتی با فضای ایران ندارد.[6] زنان ایران‌زمین همیشه یک پای اسطوره‌های ایران بوده‌اند.[7] نقش مادری و فرهنگ روشنایی‌بخش مادرها در غرب است، در شرق نیز پیاده کنند. مفهوم دنیا در غرب با مفهوم دنیا در شرق متفاوت است؛ غرب در تاثیر از تفکر ماتریالیستی، دنیا را رو به زوال می‌داند، لذا سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی خود را بر این اساس طرح‌ریزی می‌کند، در حالی که در فرهنگ شرقی دنیا رو به کمال حرکت کرده و با حرکت جوهری رو به تعالی در حرکت اسـت. عدم توجه به قرائن طبیعی و زیستی غرب و عدم توجه به مختصات فرهنگی و پیشـینه غرب و کپی‌برداری و الگوگیری از سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی غرب، بدون توجه به این مسـائل، خطای فاحش است که متاسـفانه افراد زیادی بدان مبتلایند. این خطای راهبردی و تحلیلی در مواجهه با مفاهیم غربی در مساله حجاب نیز به وضوح دیده می‌شود. این خطای شناختی، در حالی اسـت که خود غرب در برخورد با آزادی زنان نیز صادق نیسـت؛ آن مدل برهنگی را که برای دختران و زنان کوچه و بازار توصیه می‌کنند، هرگز برای شـاهزادگان و ملکه‌های غربی مجاز نمی‌شـمارند. آنها حتی حاضر نیستند لباسی را که در فیلم‌های معمولی هالیوود بر تن زنان جامعه خود روا می‌دانند، همان لباس را بر تن ملکه انگلیس بپوشانند. بر این اساس ماهیت و فضای برخورد غرب درباره زن، با ماهیت برخورد با زن در ایران متفاوت است، لذا نسخه‌پیچی واحد برای هر دو، خطایی غیرقابل جبران خواهد بود. علاوه بر اینکه تجربه چندین ساله غرب درباره مدل آزادی غربی در اختیار ما است و می‌توان براحتی مدل غربی از آزادی را به تحلیل گذاشت و به قضاوت نشست.

۳- ماهیت مفهوم آزادی در بستر فکری غرب

باید حقیقت آزادی در غرب به طور صریح و واقعی بیان شود. تمرکز بر ظاهر کاریکاتوری و بزک‌شده آزادی غربی و عدم دقت در باطن و حقایق موجود در متن زندگی غربی، سبب شده شناخت آزادی غربی به خطا برود. نسـخه‌ای که غـرب درباره آزادی زنان پیچیده است، با واقعیاتی که در درون جامعه غربی دیده می‌شود تفاوت آشکار دارد. این تفاوت به هیچ‌وجه قابل چشم‌پوشی نیست. پیشرفت‌های صنعتی غرب هرگز نمی‌تواند خسارات سنگین ناشی از مدل غربی آزادی زنان را تحت‌الشعاع قرار دهد. آنچه هدف آزادی زنان در غرب بیان می‌شـود، کرامت و اسـتقلال زنان است، پس چرا مدعیان آزادی زنان، پای زن را به دیسـکوها، شوهای لباس و منشیگری‌های مبتذل کشیده‌اند؟ چرا در فضای کار، شانس بیشتر از آن دختران و زنان خوشـرو و خوش‌اندام است؟ چرا آنهایی که جذابیت جنسی کمتری دارند هرگز به مدارج بالای شغلی راه پیدا نمی‌کنند و از درآمدهای هنگفت محرومند؟ اگر دغدغه آزادی زنان یک دغدغه خالص و بدون دغل اسـت، چرا کارخانه‌داران و تجار جهـان، زنان زیبارو را در کنار تولیدات خود به عرضه می‌گذارند؟ آیا واقعا برای آزادی زنان دلسوزند یا اینکه زن بیش از ابزاری برای فروش کالاهای آنها نیسـت؟ آزادی، کرامت و استقلالی که غرب داعیه‌دار آن برای زن بود، چرا در باتلاق منفعت‌طلبی و سودجویی سـرمایه‌داران غرق شده اسـت؟ اگر عریانی در غرب سبب عادی شـدن جذابیت‌های جنسی شـده اسـت، آمار روابط نامشروع و فرزندان نامشروع در غرب به حساب چه چیزی گذاشته می‌شود؟ حضور فرزندان نامشروع با وجود پیشرفت روش‌های جلوگیری از بارداری، خبر از شدت بحران جنسی در غرب می‌دهد. این مطلب هرگز در مقام نفی وجود ناهنجاری‌های جنسـی در جامعه ایران نبوده و صرفا به دنبال اثبات ناکارآمدی فرهنگ برهنگی در کنترل هیجانات جنسی غرب است. واقعا باید برای این کلاه گشادی که بر سر دختران و زنان می‌گذارند گریست و به حال آنها سوخت که به اسم آزادی در اسارتی پیشرفته و توسعه‌یافته گیر افتاده‌اند. غرب به اسـم آزادی فضایی را به وجود آورده که یک زن در اوج زیبایی در کانون توجهات دوربین‌های مبتذل قرار می‌گیرد و صنعتی به اسم پورنوگرافی را میدان‌داری می‌کند، صنعتی که کمترین توجهی به کرامت، عزت و شـخصیت زن نداشته و تنها ارزش‌گذاری این صنعت برای زن، به خاطر برآمدگی‌های بدن او اسـت، همان زنی که به خاطر شـفافیت پوست بدنش در کانون توجهات بود، امروز در سنین سالخوردگی و با وجود چروک‌های صورتش دیگر هیچ توجهی را به خود جلب نمی‌کند و مانند تکه گوشتی به دردنخور که جذابیتی ندارد در کنج خانه منتظر فرارسیدن مرگ خود است. اگر ارمغان آزادی غرب برای زنان، به نمایش گذاشتن تن آنهاست[9] باید رنج گوشه‌نشینی و انزوای همان زن را در سالخوردگی به دوش بکشد و به این ظلم آشکار بر زنان اعتراف کند. فرهنگی که زن را به سـمت ابزار شدن سـوق می‌دهد و معیاری جز زیبایی اندام او برای ارزشگذاری ندارد، این فرهنگ، لیاقت الگوبرداری ندارد. باطن آزادی غربی و تجربه غرب درباره آزادی، آنطور که هست و آنطور که باید تبیین نمی‌شود، این یک خطای بسیار اثرگذار در مواجهه با مساله حجاب و آزادی است.

۴- هدف از مقوله حجاب در اسلام

عدم درک و فهم صحیح از مساله حجاب تبعات بسیار سنگینی را به دنبال دارد. موضع اسلام درباره حجاب به صورت شفاف بیان نمی‌شـود و در بیشـتر مواقع علایق و نظرات شـخصی از جانب دینداران، بر نظر اسـلام درباره حجاب سایه می‌اندازد. این خطای راهبردی سبب برخوردهای غیرمنطقی از سوی موافقان و مخالفان موضوع حجاب می‌شود، در حالی که ماهیت حجاب در اسلام یک ماهیت ابزاری است؛ حجاب هدف نبوده و وسیله‌ای بیش نیست. مقصود از حجاب حفظ سـلامت فکری جامعه و بالا بردن سطح روابط انسـانی در جامعه است. در واقع زمانی که وجود زنان مورد تهدید و اذیت قرار گرفت، حجاب زمینه بروز و مقتضای طرح شدن پیدا کرده است.[10] حجاب ابزاری است که هدفی جز صیانت از زن و سالم‌سازی روابط اجتماعی ندارد. توجه به این نکته ضروری است که حذف غریزه جنسـی از نهاد انسان‌ها ممکن نیست، لذا حفظ روابط سالم در بین زنان و مردان جامعه و ایجاد یک نگاه حداکثری به جنس زن بدون وجود ابزاری به اسـم حجاب ممکن نیست.[11] آن هم ابزاری که بتواند تمام روابط انسانی جامعه را پوشش داده و سلامت ارتباط را حتی در جزئی‌ترین حالات ممکن حفظ کند. نگاه به حجاب نباید نگاهی فراتر از این باشد. علاوه بر این، بیان این نکته نیز ضروری است که حجاب در صدر اسلام، طبق آیات صریح قرآن و برخلاف تصورات امروزی، نه ابزاری برای مخفی کردن زن بلکه ابزاری برای شناساندن زن بود.[12] یعنی حجاب به عنوان راهکاری اتخاذ شده بود تا زنان در عرف جامعه شناخته شده باشند و از این جایگاه ویژه برخوردار شوند، در واقع برخلاف جامعه امروز، پیامبر جامعه‌ای ساخته بود که در آن داشتن حجاب یک امتیاز و منزلت اجتماعی و نشـانه شرافتمندی محسوب می‌شد. به طور طبیعی رواج حجاب در چنین جامعه‌ای، بدون هیچ فشاری ممکن بوده و زنان با کمترین هزینه‌ای به سوی حجاب حرکت خواهند کرد. زنان در جامعه کنونی ما متهم به تحجر و عقب‌ماندگی هستند، لذا اخذ حجاب هزینه اجتماعی و روانی به دنبال دارد. ایجاد مصونیت برای زنان و جلوگیری از سوءاسـتفاده از زنان و پیشگیری از آشفتگی ذهنی جامعه باید با ابزار و روشی صورت بگیرد که این خطرات در جامعه به صفر نزدیک شود. نگاه اسلام به اصل پیشگیری، یک نگاه حداکثری است و تا حد امکان طوری برنامه‌ریزی می‌کند که فساد در جامعه به حداقل برسـد.[13] این امر با تاکتیک‌ها و روش‌هایی توسط پیامبر حاصل شده بود که به آنها کمتر توجه می‌شود.

۵- تقسیم‌بندی جامعه به دیندار و بی‌دین از روی یک چادر

دسته‌بندی جامعه به طبقات دیندار و غیردیندار بر مبنای چادر، یک اشتباه اثرگذار است. ارائه یک تحلیل منطقی و مطابق با واقعیت درباره حجاب، زمانی رخ می‌دهد که جامعه زنان ایران به طور ویژه و بدون مقایسه با غرب مورد مطالعه قرار بگیرد. جامعه زنان ایران باید در درون مختصات فرهنگی ایران و با در نظر گرفتن فضای حیات آنها بررسی شـود، لذا در کنار هم گذاشتن زن غربی و زن ایرانی به نظر نویسنده امری اشتباه است. زنان ایرانی بر اثر بهره‌گیری از رسـانه‌ها، از اثربـرداری از زن غربی مصون نبوده‌اند و کپی‌برداری رفتاری از زن غربی توسـط زن ایرانی صورت گرفته است ولی در اصل ماجرا و آسیب‌شناسی، یک کاسه کردن زن ایرانی و غربی کار صحیحی نیست، چون کپی‌برداری از زن غربی ریشه‌های درونی داشته و به زن غربی مربوط نمی‌شود. اشاره شد که مقصود عقلا از تعیین پوشش برای زنان ایجاد مصونیت برای زنان است، لذا باید توجه داشت پوشش به تنهایی نمی‌تواند مصونیت ایجاد کند. در کنار پوشـش ظاهری باید از یکسـری رفتار تنش‌زا و خطرآفرین نیز دوری کرد. با این توضیح، حجاب در پوشـش ظاهری خلاصه نمی‌شود و منحصر کردن حجاب به یک روسری یا چادر یک خطا و اشـتباه تحلیلی به دنبال خواهد داشـت. حجاب مجموعه‌ای از پوشش ظاهری و رفتارهای استاندارد را شامل می‌شود، بنابراین در تحلیل و آسیب‌شناسی مساله حجاب باید به این نکات نیز توجه کرد. همچنانکه حضور مستمر در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی علامت منحصر اعتیاد به آن نیسـت و پناهندگی فرد به اینترنت می‌تواند به دلیل تنهایی یا کنجکاوی یا عدم جذابیت محیط باشد، لذا بی‌حجابی هم علامت منحصر بی‌دینی و دهن‌کجی به جامعه نیست. با این توضیح، برخورد نمادین با حجاب و طرح حجاب به عنوان نماد اسلامی برای جامعه، قطعا خالی از اشکال نبوده و تصویر ناقصی از اسلامی بودن جامعه انتقال خواهد داد.

* معیارها و تعاریف دینی نیازمند بازنگری هسـتند. برخورد صفر و صدی با مقوله حجاب و تعیین سقف و کف مصداقی برای حجاب یک خطای تاکتیکی دیگر است. اینکه حجاب منحصر در چادر شود و با غیرچادری‌ها برخورد دفعی صورت بگیرد، به اصل موجودیت حجاب لطمه خواهد زد. وقتی بچه گریه می‌کند دلیلش فقط گرسنگی نیسـت، می‌تواند از روی دل درد نیز باشد. اگرچه می‌توان در برخورد با مصادیق حجاب به صورت تشکیکی، چادر را حجاب برتر و بهتر دانست ولی نمی‌توان نتیجه گرفت که بی‌چادرها بی‌حجابند. خصوصا اینکه حجاب مجموعه‌ای از رفتارهای ظاهری و باطنی را شامل می‌شود. علاوه بر این نکته حجابی که قبل از اسلام در ایران رایج بود دقیقا می‌توانست انتظارات اسلام از مصونیت زنان را تامین کند. ولی دگرگونی فرهنگی باعث شد ایرانیان از پوشش‌ها و حجاب‌های ملی و بومی خود دسـت بکشند و به چادر که یک حجاب غیربومی است، روی بیاورند. دقیقا مانند مردان ایرانی که از لباس‌های بومی دسـت کشیدند و به لباس‌های غیربومی روی آوردند. اگر زنی در جامعه امروز با همان لباس‌های محلی و بومی ظاهر شـود یقینا اسلام منعی برای آنها نخواهد داشت، چون نظر اسـلام مبنی بر سالم‌سـازی روابط و حفظ مصونیت زنان با این پوشـش‌ها قابل تامین است. اسـلام در مصادیق حجاب تعصبی نـدارد و هیچ مصداقی را تعیین نکرده اسـت، لـذا توجه به این نکته نیز ضروری است که چادر تنها نماد حجاب نیست و تامین خواسته‌های اسلام منحصر در چادر نیست.

* صف‌بنـدی و توجه به ظواهر امر یک خطای واضح تحلیلی اسـت. در یک فرآیند آسیب‌شناسانه، جامعیت مطالب و تحلیل عمیق و واقع‌گرایانه مسـاله، اهمیت ویژه‌ای دارد. وقتی در درون سـاختار جامعه ایرانـی درصدد بحـث درباره مسـاله حجاب و بی‌حجابی هستیم، باید بدانیم واقعیت‌های جامعه با آنچه در کف خیابان‌ها دیده می‌شود اختلاف فاحشی دارد. نه می‌توان تمام چادر به سـرهای جامعه را متدین دانست و نه می‌توان غیرچادری را از دایره تدین خارج کرد. بی‌حجابی بیشتر از آنکه انتخاب زنان ایران باشد نتیجه کم‌کاری متولیان و روشنگران فرهنگی جامعه است. انتخـاب بی‌حجابی زمانی بر رفتار زنان صادق اسـت که مبانی و مزایای باحجابی به صورت کامل تبیین شده باشد و فرد مخاطب با وجود این توضیحات، بی‌حجابی را ترجیح دهد. همین دخترانی که در جامعه به عنوان بی‌حجاب معرفی می‌شـوند یک روزی در مدارس و دانشـگاه‌های ایران پشت نیمکت‌ها نشسته و گوش به سخنان نظام آموزشی این کشور داده بودند. آیا واقعا موضوع حجاب آنطور که باید و آنطور که شایسـته بـود به دختران ایرانی عرضه شـده است؟ آیا استدلالی بالاتر از بهشتی شدن دختران باحجاب عرضه می‌شود؟ پس با این وضع موجود چطور می‌توان بی‌حجابی را نتیجه انتخاب زنان ایرانی دانست؟ از آن سوی معادله نیز وجود زنان چادری علامت تدین جامعه نیسـت، وقتی دین اسلام تنها در حضـور نامحرمان حجاب را تجویز می‌کند و در محیطی مثل اسـتخر که نامحرمی حضور ندارد منعی برای حضور زنان ندارد، چرا حضور زنان چادری بسـیار کم صـورت می‌پذیرد؟ زنی که تا دیروز چادر به سر می‌کرد اگر بخواهد حجابی کمتر از چادر داشته باشـد آیا جامعه به چنین زنی اجازه می‌دهد؟ آیا فشـار هنجاری جامعه به چنین زنی که تا دیروز چادر به سر می‌کرد اجازه می‌دهد از امـروز با مانتـو از خانه بیرون بیاید؟ رضایت درونی نسـبت به حجاب در برخی زنان مشاهده نمی‌شود و چادر به سر کردن آنها یا بر اثر سنت خانوادگی بوده یا بر اثر فشار هنجاری جامعه. حس عقب‌ماندگی در برخی زنان چادری حاصل همین فشار جامعه و گیر کردن در زیر فشارهای نامحسوس جامعه. اگر زن سالخورده‌ای بخواهد بدون چادر در جمع حاضر شـود آیا فشـار هنجاری به او این اجازه را خواهد داد؟ البته علاوه بر این نکته باید به این مساله نیز توجه داشت که حجاب زنان در سالخوردگی می‌تواند علاوه بر فشـار هنجاری، منشأ روانی هم داشته باشد، چون رعایت نکردن حجاب توسط زنان سالخورده نوعی پذیرش پیری است. در حالی که دین اسلام محدودیت‌هایی که برای زن جوان قائل است را برای زن سـالخورده لازم نمی‌داند(روایت رفع حجاب). انتخاب حجاب زمانی صادق است که جامعه خالی از هرگونه اهرم فشار باشد، لذا نبایـد خطا کرد، بلکه اطلاق عنوان «انتخاب حجاب» و «انتخاب بی‌حجابی» باید در بسترهای واقعی انجام شود نه در فضای تخیلی، تا بتوان خروجی‌ها و نتایج صحیح و مطابق واقعیت را در مباحث آسیب‌شناسانه ارائه کرد.

پی‌نوشت

۱- جعفریان رسول، ص ۷
۲- الهی، حکیم، ص ۶۴
۳- فریدون‌پور، بهمن، ص ۷۵
۴- ویل دورانت، ج ۱۲، ص ۳۰؛ ج ۱، ص ۵۵۲.
۵ – مطهری، مرتضی، ص ۱۶۹
۶- همان ، ص ۱۷۰
۷ – صادقی، زهرا، برخان احمد، ج۱۵ ، ص ۳۹
۸ - لشکری، احسان، ج ۴۸، ص۸
۹ - باقرزاده، محمدرضا، ج۶۸، ص ۱۱
۱۰- یا أیهَا النَّبیُّ قُل لاَزْوَاجِک وَ بَنَاتک وَ نساء الْمُؤْمنینَ یُدْنینَ عَلَیهِنَّ مِن جَلَبیبِهِنَّ ذَلِک أَدْنـی أَن یُعْرَفْنَ فَلاَ یُؤْذَیْنَ وَ کانَ اللّهُ غَفُوراً رَّحیماً (احزاب/ ۵۹)
۱۱ - واسطی، عبد الحمید، ص ۵۶
۱۲ - ذَلِکَ أَدْنَی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلَا یُؤْذَیْنَ (احزاب/ ۵۹) : همانطور که مشخص است، حجاب ابزاری بود برای شناساندن زن‌ها، تا مردهای جامعه آنها را بشناسانند.
۱۳ - یَا نِسَاءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَیْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (احزاب/ ۳۲)

* **طلبه پایه ۷ حوزه علمیه قم**